

## آموزه‌های نصیری در رساله رجعت منسوب به مفضل بن عمر\*

علی عادلزاده<sup>۱</sup>

محمدعلی صابری<sup>۲</sup>

### چکیده

رساله رجعت منسوب به مفضل بن عمر یکی از مهم‌ترین متون روایی درباره غیبت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این رساله در میان امامیان متقدم چندان شناخته شده نبوده و ظاهراً از قرن ۸ ق به سنت روایی امامیه راه یافته و از قرن ۱۱ ق به شهرت رسیده و مورد استناد بسیاری از متأخران قرار گرفته است. این رساله اگرچه با روایات دیگر، اشتراکات زیادی دارد، در متن و سند آن، اشکالات تاریخی و اعتقادی متعددی دیده می‌شود. مقایسه این رساله با منابع نصیری و به ویژه آثار خصیبی، نشان دهنده وابستگی این رساله به مذهب نصیری است. بنابر شواهد موجود، مسؤل تدوین این رساله، خصیبی بوده و در پردازش آن از منابع امامی پیشین به عنوان قالبی برای بیان آموزه‌های نصیری بهره برده است. در این مقاله از روش تحقیق کتابخانه‌ای و تحلیل متنی و سندی استفاده شده است.<sup>۳</sup>

### واژگان کلیدی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رساله رجعت، مفضل بن عمر جعفی، الهدایة الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، نصیریه.

### مقدمه

یکی از متون مشهور و مورد استناد، درباره وقایع مربوط به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حدیث بسیار بلندی است که در پایان بخش چهاردهم کتاب الهدایة الکبری از مفضل بن عمر روایت شده است (خصیبی، ۱۴۱۹ ق: ۴۴۴-۳۹۲). مؤلف این کتاب حسین بن حمدان خصیبی (م ۳۴۶ یا ۳۵۸ ق) مقتدای فرقه نصیریه است. بخش نخست این کتاب به

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران (نویسنده مسؤل) (aliadelnajm@gmail.com).

۲. دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، ایران (saberimohammadali1356@gmail.com).

۳. در نوشتن این مقاله از راهنمایی‌های آقای عمیدرضا اکبری، آقای حامد صابر و استاد دکتر علی راد بهره برده‌ام که لازم است از ایشان تشکر و قدردانی کنم.

زندگی نامه و معجزات چهارده معصوم پرداخته است. در بخش دوم کتاب، خصیبه دوازده باب برای پیامبر ﷺ و امامان برشمرده و به شرح حال، نصوص بابت هر یک پرداخته است.<sup>۱</sup> خصیبه به غلو متهم بوده و پیش تر تحقیقاتی درباره ارتباط کتاب *الهدایة الکبری* با جریان غلو صورت گرفته است.<sup>۲</sup>

این حدیث با سؤال مفضل از امام صادق علیه السلام درباره وقت ظهور امام مهدی علیه السلام آغاز و در ادامه موضوعات متنوعی در آن مطرح می شود. مفضل بن عمر جعفری از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بوده و روایات مختلفی در مدح و ذم او رسیده؛ در بیشتر کتب رجالی متقدم، ضعیف یا غالی شمرده شده و وضعیت او در بین متأخران، همواره محل بحث بوده است (ابن مطهر، ۱۴۱۱ق: ۲۵۸).

از آن جا که این روایت، بسیار طولانی و شامل موضوعات متنوع است و به صورت مستقل از کتاب *الهدایة*، نسخه برداری و ترجمه می شده است (تهرانی، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ۹۷؛ درایتی، ۱۳۹۱: ج ۱۲، ۸۱۸-۸۱۷)، در این مقاله از آن با عنوان «رساله رجعت» یاد می شود.

این رساله در میان متقدمان امامیه جایگاهی نداشته، اما دست کم از قرن ۸ ق به سنت حدیثی امامیه راه یافته است. حسن بن سلیمان حلّی این رساله را از محمد بن ابراهیم بن محسن مطارآبادی<sup>۳</sup> از خط پدرش از خصیبه روایت کرده است (حلّی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۳). ابراهیم بن محسن با گذشت حدود ۴ قرن از وفات خصیبه، سند متصلی به او نداشته و آن را به صورت وجاده نقل و استنساخ کرده است.

این رساله با وجود ضعف منبع نخستین یعنی *الهدایة الکبری*، از قرن ۱۱ ق به بعد، با رواج رویکرد اخباری، بیشتر مورد پذیرش قرار گرفت (فیض، ۱۳۷۱: ۲۵۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۱۴۳، ۲۱۶). محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ق) نیز آن را در *بحارالانوار* هم از *مختصرالبصائر* (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۳۵) و هم از «بعض مؤلفات اصحابنا» از خصیبه روایت کرده است (همان: ج ۵۳، ۱). احتمالاً مقصود از «بعض مؤلفات اصحابنا» یکی از کتب سیدهاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ق) است. (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ۳۷۱)<sup>۴</sup> در مصدر بحار نیز به صورت وجاده از

۱. درباره ارتباط بابت و غلو ر. ک: صفری، ۱۳۹۶.

۲. برای نمونه ر. ک: صفری، ۱۳۸۶.

۳. مطارآباد یا مطیرآباد از نواحی حله بوده است.

۴. مجلسی در جاهای دیگر نیز از «بعض مؤلفات اصحابنا» از خصیبه روایت می کند که مشابه آن در کتاب سیدهاشم بحرانی دیده می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۶۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ۱۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۲۴؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ۱۶۱؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق: ج ۸، ۲۰) موارد متعدد دیگری نیز وجود دارد که مجلسی روایتی را با همین تعبیر نقل کرده و

کتاب خصیبه روایت شده است. شهرت این رساله تا حدّ زیادی مرهون نقل آن در بحارالانوار و نیز برگردان فارسی آن به دست علامه مجلسی است.

متن رساله در الهدایة الکبری شامل حدود ۱۷۴۰۰ کلمه است؛ اما حسن بن سلیمان تنها حدود ۵۰۰۰ کلمه و علامه مجلسی تنها حدود ۸۶۰۰ کلمه از آن را روایت کرده‌اند. این حدیث، اگرچه در بین امامیان متقدّم جایگاهی نداشته، بر ذهنیت شیعیان متأخر درباره چگونگی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأثیر زیادی گذاشته و مستند بسیاری از مباحث اعتقادی بوده و از این رو بررسی دقیق آن ضروری است.

### ارزیابی سند رساله رجعت و بررسی نسبت آن با نصیریه

نخستین گام در شناخت رساله رجعت، بررسی سند آن است. منبع اصلی این رساله، کتاب خصیبه است؛ بنابراین ابتدا نسبت آن با خصیبه و سپس اسناد خصیبه تا امام صادق علیه السلام بررسی می‌شود.

### بررسی انتساب رساله رجعت به خصیبه

اگرچه طریق متصل و معتبری برای کتاب الهدایة الکبری وجود ندارد؛ اما در انتساب آن به خصیبه، اشکالی نیست و شواهد بسیاری برای درستی انتساب این کتاب به خصیبه در دست است. (اکبری، در دست نشر، الف، بخش ۳-۲) افزون بر آن، خصیبه مضمون بخش‌هایی از رساله رجعت را در رساله رستباشیه و آثار دیگر خود آورده که در بخش ۲ و ۳ به آن پرداخته خواهد شد.

شاهد مهم دیگر آن که خصیبه در دیوان خود، بخش زیادی از رساله رجعت را به شعر درآورده است.<sup>۱</sup> در جدول شماره ۱ پیوند میان رساله رجعت و دیوان خصیبه نمایش داده شده که در بسیاری از موارد با یگانگی تعابیر یا انفراد مضمون همراه است. خصیبه خود بر این پیوند تصریح کرده (مرهج، بی تا: ۴۲۴) و ابراهیم عبداللطیف ابراهیم مرهج (۱۳۳۴-۱۲۹۶ق)،<sup>۲</sup> شارح دیوان خصیبه نیز بارها آن را گوشزد کرده است (مرهج، بی تا: ۴۲۴).

در کتب سید هاشم بحرانی موجود است. (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ج ۴، پاورقی ۲۷۲؛ ج ۶، پاورقی ۱۲۴، پاورقی ۱۶۲؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، پاورقی‌های ۲۹۳، ۳۰۸، ۵۱۷، ۳۸۳).

۱. درباره اصالت دیوان خصیبه و رساله رستباشیه نیز: اکبری، بی تا (الف)، بخش ۳-۲.

۲. ابراهیم عبد اللطیف ابراهیم مرهج از مشایخ متأخر نصیریه است که مهم‌ترین اثر او شرحی است که بر دیوان حسین بن حمدان خصیبه نوشته است. در این مقاله با وجود دسترسی به نسخ خطی و چاپی دیوان خصیبه، برای دسترسی راحت‌تر، اشعار خصیبه به شرح مرهج ارجاع داده شده است.

با وجود اختلاف نسخ رساله رجعت و کاستی و فزونی در هر یک، دیوان خصیبه با زیاداتِ همه نسخ قابل تطبیق است. مثلاً در ردیف ۲۴ و ۳۹ جدول ۱ مشاهده می‌شود بخش‌هایی از رساله رجعت در بحارالانوار و صحیفه‌الابرار آمده که در نسخه چاپی الهدایه الکبری وجود ندارد؛ اما با اشعار خصیبه مشترک است.



جدول شماره ۱: مقایسه اشعار خصیبی با متن رساله رجعت<sup>۱</sup>

ردیف	آیه	تفسیر	دیوان خصیبی (بر اساس نسخه مرهج)
۱	۳۹۲	۴۳۳	روایة مشتهر أهلها / تروی عن الراوین للناذر / مفضل عن سیدی جعفر / ... / إن لمهدی بنی أحمد / مأمولنا الثاني العاشر (ص ۴۲۴)
۲	۳۹۲	۴۳۳	لئلا یوقت وقت له / ومن وقت الوقت جهلا رسب (ص ۵۱۶) (بغیر حد ووقت / موقت قد تأخر / إلى تمام مدار / وساعة سوف تذکر (ص ۴۷۶)
۳	۳۹۲	۴۳۴	فمن ذاک قولهم لم یکن / ومن ذاک قولهم لم یغب / وقد شاب بل مات بل لم یر / وأین یكون وکم ذا الکذب (ص ۵۱۶)
۴	۴۳۶	۴/۵۳	وقال جمیع الخلق والذین واحد / وما غیره نطق ففی الأرض یقبر (۴۷۰)
۵	۳۹۶	۴۴۰	۷/۵۳
۶	۳۹۶	۴۴۰	۷/۵۳
۷	۳۹۷	۴۴۲	۸/۵۳
۸	۳۹۷	۴۴۳	۸/۵۳
۹	۳۹۷	۴۴۳	۸/۵۳

۱. در این جدول متن رساله رجعت بر اساس الهدایة الكبرى (۱۴۱۹ق)، مختصر البصائر، بحار الانوار و صحیفه الابرار با دیوان خصیبی بر اساس نسخه ابراهیم عبد اللطیف مرهج مقایسه شده است. ضمناً به علت حجم زیاد متون و اشعار، ناگزیر به ذکر نشانی‌ها اکتفا شده است.

أجابوا دعوة الحق قوم / عرفوه قدما بالعيان / وأجابوا دعوة الرجس قوم / أنكروا الحق لدى الامتحان (٤٥٦) وبأتنا من مطلع الشمس / في وقت الضحى صرخة مستأثر/ يفصح باسم القائم المرتجى / مأمولنا الثاني العاشر/ ويعتليه ضده صارخا/ من مغرب الشمس ندا آخر/ يهتف باسم الرجس إبليس كي / يطرح تشكيكا إلى الخاسر(٤٣٥)				
يقول للخلق ألا من يشا / يسأل عن حكم قضا شاجر/ آدم و نوحا وإبراهيم او/ موسى وعيسى ذاكر الذاكرا/ وأحمد جدي ومن شاء أن يسأل كل الحجب عن ساتر/ فإنني أولى بهم فليسأل / عن كل آت وعن الغابر/ ومن يشأ أن يرههم جهرة / فيها أنا هم غير ما ناكر(٤٣١)	٨/٥٣	٤٤٣	٣٩٧	١٥
وينادي معشر الخلق من شا / أن يسأل آدم عن كل شان / أو يسأل نوحا وإبراهيم حقا / أو يسأل موسى وعيسى اللذان / حسب من سألهم أو يريد / يسأل جدي أحمدا عن بيان / أنا أولى بهم فليسألني أو يشأ رؤيتهم فليزاني (٤٥٨-٤٥٩)	٨/٥٣	٤٤٤	٣٩٧	١١
ثم يلجى ظهره كعبة البيت / ويتلو محكمات القرآن / مظهرا منه الذي اسقطوه / عصبة الحجت بنو الشيبان (٤٥٨) بين الصفا والركن مستندا / بظاهر الكعبة والحائر / يتلو جميع الكتب والوحي لا بناكل عنها ولا حاصر (شرح ديوان، ص ٤٣٥)	١٥/٥٣	٤٤٦	٣٩٩	١٢
وأملأك تخالطهم ودين فراتي نميري هداء (٢٨٥)	١١/٥٣	٤٤٦	٣٩٩	١٣
فتأتبهم الأملاك والجن معهم / وأنس نجوم قد صفوا لم يكدروا / يكونون آلافا ثلاثين مرة / ونصف ثلاثين وعشر جواهر/ وستة آلاف من الجن عدهم / وبينهم في خطبة منه حيدر (٤٧٥-٤٦٩)	١٢/٥٣	٤٤٦	٤٥٥	١٤
وتبنى قصور إلى أربع / وخمسين ميلا صعب المرام (٢٩٣)	١٢/٥٣	٤٤٦	٤٥٥	١٥
وينقل كعبة بيت الحرام إلى / حرم ياله من حرام / إلى جانب الطور في بقعة / مباركة ذات نور ختام / بها كلم الله موسى وقد / أتاه كلام وخير الكلام / وربوة ذات قرار معين بها / مريم ولدت بالسلام / بعيسى المسيح فدبت المسيح / وإنني به لشديد الغرام / ومعراج أحمد نفسي الفداء / لمعراجه بين هاء ولام (٢٩٢-٢٩١) <sup>٢</sup> سلام على النور المضيء بكريلاب / بدار سلام الله في جنب جبرته / بموضع معراج النبي محمد / وبقعة موسى والمسيح وربوته (ص ١٨١-١٨٥)				

- ظاهر خطبه مذکور در این ابیات همان خطبه ای است که حسین احمد، از مشایخ نصیری به آن اشاره کرده است (حمین، ۲۰۱۶م (الف): ۱۸).
- در این ابیات خصبی تصریح کرده است که بعد از ظهور، کعبه از مکه به کربلا منتقل می شود. در متن رساله رجعت نیز برتری کربلا بر مکه به همین موضوع اشاره دارد (عادل زاده، ۱۴۰۰/۱/۲۶).

۱۶	۴۰۱	۴۴۷	۱۳/۵۳	لنبش فرعون وهامان من / قبريهما والكيء والكاثر / حتى إذا ما وردوا يثربا أظهر ما أخفوه في الداهر / فينبشا جسمين غضين ما / مسا بتشحيب ولا عافر / كهيتي كرة ملكيهما / كأن ما كانا بذبي قابر / فيصلبا غضين في دوحة / من فوق عود يابس ناضر / فيورق العود بجسميهما / حتى يرى كالأخضر الناضر / ويحضر النار التي أضرمنا / وقودها في الغابر الدايتر / ... / فيحرقا حرقا بها جهرة / وينسفا في اليم في الدامر / فيا لها من فتنة أضللت / كل زعيم فاجر عاهر / من نسل شنبويه و من حبتو / ومن حمين الكافر الغادر / سحقا وبعدا زادهم سيدي / وطول مكث في لظي ساعر (۴۳۵-۴۳۲) من صلب جسميهما غضين ما بليا / ولم يكونا العمري حفر حفار / من فوق دوح ذوي العود يابسه / مجرد نخر من خضر غبار / فيورق العود من جسميهما ليبري / أهل النفاق فيرتدوا بإدبار / فيا لها فتنة والله مضللة / أخزت وأشقت وأردت كل جبار (۴۹۱)
۱۷	۴۰۲	۴۵۰		... فلنا في يثرب آيتان / آية الرجعة لا تنكروها / وغويان بها ينبشان / ... / يخرجنا جسمين غضين حتى يصلبا للفتنة المفتنان / يصلبا من فوق أعواد دوح يابس أفناه طول الزمان / فيعود الدوح غضاً نضيراً مورقاً إذ يصلبا الناكتان / فيضلا في حشاد كبيرهم أضلا وهما ميتان / وكذا كانا مضلين في الدهر على روحيهما لعنتان (۴۶۱-۴۶۰)
۱۸	۴۰۵	۴۵۴	۱۶/۵۳	فيحرقا جهرة في النار ويلهما / نارالها أضرمنا في كل إعصار / ... / ويبسط الله للأرياح أربعة / ذروا تمر بكل الأرض أقطار ثم يؤتى بشواظين نارا / لكي يحرقا بها الكافران / ثم يأتي كل ريح فتذروا بهما في اليم كي يمحقان (۴۶۱)
۱۹	۴۰۵	۴۵۵	۱۶/۵۳	ثم سبعون واثنان كانوا / خيرة من هدية البيعتان / نصرة النور حسين عليهم / منه في قدسه لهم رحمتان (۴۵۸) ظهوره في فتية سادة / أعداد بدر عدد كائر / وعد أنصار بني الهدى / حسين رحمانهم الغافر (۴۲۵)
۲۰	۴۰۵	۴۵۵	۱۶/۵۳	وينزل جبارنا جهرة / لدى النجف المستقر الدعام / وينصب قبته للفضا / مصابيحها كبدور التمام / ويقضي ويمضي بعدل على / جميع البرايا بغير اختصام (ص ۲۹۴)
۲۱	۴۰۵	۴۵۵	۱۶/۵۳	يقوم فيها الصديق سيدنا الأكبر المرتجي لدى النجف (ص ۴۴۴)
۲۲	۴۵۵	۱۷/۵۳	۱۶/۵۳	وكل يكافي حين تبلى السرائر (۴۷۰)
۲۳	۴۰۷	۱۹/۵۳	۱۷/۵۳	لفرعون وهامانا / وبالطاغوت قرمانا (۳۳۴)
				والذي كان قنفذ يوم حرق / الدار أبداه مع كنود كفور / من سقوط وضرب سوط ونثر / القرط من فاطم بأمر الفجور (ص ۵۸-۵۹)

٢٤	٣٤/٥٣	ويمطر الله سمواته / عليه من خير له ماطر / مثل الذي أمطر أيوب من جراد تبرهاطل ماطر (٤٢٧)
٢٥	٤٢٩	ويخترق الأرض والساميات / ويسبر أجبالها والكتب (٥١٧) فينشر [يسبر] الأرض والجبال معا / والبر والبحر غير معتنف (٤٤٥)
٢٦	٤٢٩	يسير على خيله في السماء / وفوق السحاب بسير خبب (٥١٧)
٢٧	٤٣٥	وتجري الأنهار في عهده / بالخمير والألبان والزاخر / من غسل صاف وماء إذا جرى بياضاً ليس بالكادر (٤٢٨)
٢٨	٤٣٥	وتكثر الخيرات في عصره / حتى تعم الخلق بالغامر / وينزل الغيث ويزهو الثرى / وتزهو الأرضون بالحاشر / ويثمر النبت جميعاً وما / من مثمر يوفي على الوافر (٤٢٧-٤٢٨)
٢٩	٤٣٥	وتظهر الأرض له كنزها / وما حوت من ذخرة الذاهر (٤٢٦)
٣٥	٤٣٥	وتشرب الشاة مع الذئب / من ورد وتحتاز مع الصادر / ويأنس الإنسان في قفرة / بالسبع والحية والطائر / ولا يرى بعضهم موحشاً / بعضاً ولا بالمؤذي الضائر (٤٢٨)
٣١	٤٣٥	ويفصح الطير بلا عجمة / في نطق مخلوق بلا صافر (٤٢٩)
٣٢	٤٣٥	فلا يبقى ذو نطق يفوه بنطقه / سوى عربي اللفظ عن ذاك يخبر (٤٧٥)
٣٣	٤٣١	ويقتل الروم والصقالب / والزنج وحشد القرون بالخياف / والترك والكرد والديالم / والقبط وزط البلاط بالرجف / والسند والهند والأخازر / الأزمن وجمع العلوج والقلف / والكوش والزغور والخوارزم / والحبشان والغائبين بالقذف / وكل من في البلاد قاطبة / من ناصب مرجئ ومنحرف (٤٤٥-٤٤٦)
٣٤	٤٣١	وويل جابلصاً من خواصته / وويل جابلقاً منه والغلف / حتى يدير الرحاء طاحنة / عليهم في مداراة التلف (٤٤٦-٤٤٧)
٣٥	٤٣١	ويسبك الخلق في بواتقه / ويخرج الصفو من ذوي الزيف (٤٤٧)
٣٦	٤٣١	ويأمر الديك أن يلخصهم / حياً سميناً من يابس عجف (٤٤٧)
٣٧	٤٣٢	يسميهم الخلق في الأسماء غالية / يا طيب غالية عطرية الخصد / وقد رووا ويلهم أن الغلاة غداً / حقاً يردون رد المخلص الردد / والأخسرون ذوو التقصير ويلهم / لم يستجيبوا ولم يلجوا إلى وعد / فلم وما بالهم يروون مشتراً / من الحديث بلا رأى ومعتقد (ص ٤٢-٤٤) فإن أشتر الخلق من كان ناقصاً / ومن هو بالتقصير يلقى ويكدر / وحسبكم أن الغلاة إذا دعوا / إلى الحق جاءوا طائعين وكبروا / وأن ذوي التقصير لا يرجعون عن / عمانهم حتى إلى الجهل يحشروا / ويلقون ما قد قدموا من ذنوبهم / بلعن وخزي ويلهم وتدمر / ويكفيهم أن النواصب فيهم / لأنهم أعداهم حين يكفروا / وأن



ذوی التقصیر اعداء هم به / فیا ویلهم ماذا جنوا لو تبصروا (۴۶۷-۴۶۸)				
فکون النور أولها / وهواب السلامات / ... / وكون الجوهر الثاني / مضيء الجوهريات / ... / وكون ثالث كان / هوائي الجعيلات / ... / وكون الماء رابعهم / طهور للنجاسات / ... / وكون النار خامسهم / بديع الاختراعات / ... / وكوناً سادساً كَوْن / من ترب البسيطات / ... (۲۶۲-۲۵۶)			۴۳۵	۳۸
وتخرج الناصب إذ يلحدوا / من قعرها إخراج مستأسر / تغذفه ثم تنادي به / أمرت أن أقذف بالكافر / هذا عدوك فامثل به / وخذ بأوتارك من واتر (۴۲۶)		صحيفة الأبرار، ۲۳۷		۳۹

### بررسی سند رساله رجعت از خصیبی تا امام صادق علیه السلام

سند رساله رجعت چنین است: خصیبی - محمد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبدالله حسنی - محمد بن نصیر - عمر بن فرات - محمد بن مفضل - مفضل - امام صادق علیه السلام. تمام حلقه های این سند دچار ضعف اند. نجاشی، خصیبی را فاسد المذهب و رساله او را «تخلیط» خوانده است. ابن الغضائری او را کذاب، فاسد المذهب، بدعت گذار و غیر قابل اعتنا دانسته است (خویی، ۱۳۷۳: ج ۶، ۲۴۴؛ عسقلانی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۷۹). محمد بن اسماعیل حسنی و علی بن عبدالله حسنی ناشناس اند.

محمد بن نصیر از غالیان و دروغگویان مشهور است (خویی، ۱۳۷۳: ج ۱۸، ۳۱۵). برخی از مطاعن او عبارت اند از: لعن امام هادی علیه السلام بر او (کشی، ۱۴۰۹: ج ۵۲۰)، نام بردن او در زمره مدعیان دروغگو در توقیع امام زمان علیه السلام (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۴۱۱)، تبری محمد بن عثمان عمری (سفیر دوم امام) از او، اعتقادات باطلی چون ادعای الوهیت برای امام هادی و رسالت برای خود، تناسخ، اباحه محرمات، تمجید لواط و مفعول بودن (اشعری، ۱۳۶۰: ج ۱۰۱-۱۰۰؛ طوسی، ۱۴۱۱: ج ۳۹۹-۳۹۸).

عمر بن فرات نیز غالی بوده است (خویی، ۱۳۷۳: ج ۱۴، ۵۶) محمد بن المفضل در میان امامیه ناشناس است. (همان: ج ۱۸، ۲۸۳) مفضل نیز مورد اختلاف بوده و به غلو، فساد مذهب، اضطراب روایت و... متهم شده است (همان: ج ۱۹، ۳۱۷) علامه مجلسی، خصیبی، محمد بن نصیر و عمر بن فرات را ضعیف، و مفضل را مورد اختلاف دانسته (مجلسی، ۱۴۲۰: ج ۶۲، ۱۳۳، ۱۷۴، ۱۸۲)؛ لذا این که در ترجمه فارسی، سند این روایت را معتبر خوانده (مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۱۲۹؛ مجلسی، بی تا: ۳۵۶) بنابر تسامح شدید است.

مفضل، محمد بن مفضل، عمر بن فرات و محمد بن نصیر، به ترتیب باب های هشتم تا

یازدهم نصیریه‌اند (خصیبه، ۱۴۳۲ق: ۵۸۶-۵۷۳؛ ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۵۸) بنابراین سند روایت به روشنی بازتاب‌دهنده یکی از ارکان اعتقادی نصیریه یعنی باییت؛ چنان‌که در متن رساله نیز به باییت مفضل و محمد بن نصیر اشاره شده است (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۶؛ خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۱۹) در انگاره باییت، زنجیره ابواب و نقد آن (صفری، ۱۳۹۶: سرتاسر).

سند روایت از جهت باییت حلقه‌های آن مسلسل به شمار می‌رود.<sup>۱</sup> اسناد مسلسل معمولاً ضعیف بوده و چه بسا ساختگی و تصنعی‌اند. (سبحانی، ۱۴۲۸ق: ۸۴) در بین غالیان نیز ساخت اسناد مسلسل از ابواب، رایج است. به عنوان نمونه در اسناد کتاب طب الائمه ابواب مخمسه به صورت پی‌درپی آمده‌اند (نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ۵۲، ۹۴؛ اکبری، در دست‌نشر، ب، فصل ۲) برخی اسناد نصیری نیز به همین صورت است مثلاً ۹ باب نخست نصیری در سند روایتی غالیانه پی‌درپی آمده‌اند (عصمة الدولة، ۲۰۱۶م: ۴۲۰) موارد بسیار دیگری نیز وجود دارد (علوی، ۱۴۲۸ق: ۶۱؛ خصیبه، ۱۴۳۲ق: ۵۴۳، ۵۵۶).

خصیبه این سند مسلسل را برای نقل روایات غالیانه به کار می‌برده است. به دو نمونه زیر توجه کنید:

خصیبه - عسکری محمد فارسی - محمد بن نصیر - عمر بن فرات - محمد بن مفضل - مفضل (عصمة الدولة، ۲۰۱۶م: ۱۷۰).

خصیبه - عبدالله بن محمد الجنان - یحیی بن معین - محمد بن نصیر - عمر بن الفرات - محمد بن المفضل - مفضل - أبو الخطاب - جابر بن یزید الجعفی (طبرانی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶م: ج ۷۲).

چنان‌که می‌بینیم سلسله ابواب در همه این اسناد، ثابت است و تنها واسطه خصیبه تا محمد بن نصیر تغییر می‌کند. همه این واسطه‌ها نیز از مشایخ پرتکرار خصیبه هستند که نام‌شان در اسناد غیر او ظاهراً یافت نمی‌شود. باییت محمد بن نصیر، ادعایی ناروا بوده که از سوی خود او و پیروانش مطرح شده، بنابراین نمی‌توان اصالت سند را در حلقه‌های مقدم بر محمد بن نصیر پذیرفت؛ زیرا پیش از محمد بن نصیر هنوز باییت او مطرح نشده بود.

۱. تنها مشایخ مستقیم خصیبه، جزو ابواب نیستند، زیرا باییت با محمد بن نصیر ختم می‌شود. (خصیبه، ۱۴۳۲ق: ۵۷۳-۵۸۶؛ ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۵۸؛ خصیبه، ۲۰۱۴م: ۲۱۹)

۲. ابو الفتح محمد بن معز الدولة علی بن عیسی (۴۵۰-۳۹۱ق) مشهور به عصمة الدولة، صاحب الرسالة المصرية از مهم‌ترین مؤلفان نصیریه است.

۳. ابوسعید میمون بن القاسم طبرانی (۴۲۶ق) معروف به الشاب الثقة پرکارترین مؤلف متقدم نصیریان است.

خصیبی، حلقه مشترک تمام روایاتی است که نصیریه از محمد بن نصیر یا درباره باییت او نقل می‌کنند. خصیبی با واسطه‌های متعدّد و ناشناخته از محمد بن نصیر روایت می‌کند و به جعل این روایات متهم است (اکبری، ۱۴۰۰/۲/۱۱: alasar.blog.ir) از آن جا که رساله رجعت نیز از محمد بن نصیر نقل شده و در بردارنده باییت محمد بن نصیر است، می‌توان مسئولیت آن را، مانند دیگر روایات باییت محمد بن نصیر بر عهده خصیبی دانست. مؤیدش آن که سند از خود خصیبی، دو شاخه شده و در دیوان او نیز، برای این رساله، طریق دیگری از جابر بن یزید الجعفی (باب ششم نصیریه) از امام باقر علیه السلام ادعا شده است (مرهج، بی تا: ۴۲۴).

به نظر می‌رسد مقصود از عمر بن فرات در منابع نصیری همان محمد بن فرات (خویی، ۱۳۷۳: ج ۱۸، ۱۳۵) است. چه این که هر دو مدّعی باییت در دوره امام رضا علیه السلام بوده‌اند (کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۵-۵۵۴؛ خصیبی، ۱۴۳۲ق: ۵۷۹). هر دو کاتب و مرتبط با حکومت بوده‌اند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۳؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۳۶۲؛ خصیبی، ۱۴۳۲ق: ۵۸۰-۵۷۹) قاتل محمد بن فرات، ابراهیم بن شکله است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۳، ۵۵۵) که نزد نصیریان مبعوض است (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۲۷۴).

رواء جمال علی، محقق و مصحح آثار نصیریه نیز می‌نویسد:

ابوالقاسم عمر بن فرات کاتب، اسم حقیقی اش در کتب تراجم، محمد بن فرات است؛ ولی در کتب نصیریه عمر بن فرات خوانده می‌شود (خصیبی، ۲۰۱۵: ۲۴۶).

اگر این فرضیه را بپذیریم ظاهراً در یکی از منابع متقدّم «محمد» به «عمر» تصحیف شده؛ چنان که تصحیف این دو کلمه به هم بسیار رایج است. سپس این نام تصحیف شده به آثار خصیبی راه یافته و سپس در منابع نصیریه رواج یافته است. نتیجه این فرضیه این است که خصیبی تنها از طریق منابع مکتوب با محمد بن فرات آشنا بوده که دچار چنین اشتباهی شده است. به این ترتیب اتصال این سند؛ بلکه تمام آن چه خصیبی به عمر بن فرات یا ابواب دیگر غالیان نسبت می‌دهد، با چالش جدی مواجه می‌شود.

### ارزیابی متن رساله رجعت و مقایسه آن با منابع دیگر

پس از بررسی سند رساله رجعت، نوبت بررسی متن آن است. شیخ احمد احسائی معتقد است مضامین رساله رجعت در احادیث معتبر دیگر یافت می‌شود و این دلیل بر صحت آن است (احسائی، ۱۴۲۷ق: ۲۴۳). این رویکرد در تصحیح رساله رجعت به چند دلیل نادرست است:

الف) بسیاری از جعل‌ها بر پایه منابع پیشین و با تحریف و ترکیب روایات موجود صورت می‌گیرد.

ب) روایاتی که به عنوان مؤیدات رساله رجعت ارائه می‌شود خود نیازمند اعتبارسنجی است که احسائی به آن نپرداخته است.

ج) برای ارزیابی یک متن نباید تنها به مشابهت آن با منابع اصیل توجه کرد؛ بلکه باید منفردات و اشکالات موجود در آن و نیز مشابهت‌های آن با منابع غیراصیل نیز بررسی شود.

د) متن رساله رجعت نسبت به روایات مشابه هر بخش، تفاوت‌های مهم و ظریفی دارد که می‌تواند قرینه بر تحریف تلقی شود.

در ادامه به تفصیل دو بند «ج» و «د» می‌پردازیم.

### ناسازگاری متن رساله رجعت با داده‌های تاریخی

در این رساله، در گزارش نزاع ابن عباس و عبدالله بن زبیر بر سر حلیت متعه، از عوسجة اسدی به عنوان پدر ابن زبیر یاد می‌شود (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۲۵) که به کلی بی‌معناست؛ زیرا بدیهی است ابن زبیر، پسر زبیر است نه عوسجة! از آن جا که در اصل ماجرای نزاع ابن عباس و ابن زبیر، از عوسجة نام برده شده، خصیبی دچار خلط شده است (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۸۱؛ اخبار الدولة العباسیة، بی تا: ۱۱۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۱۴، ۴۵۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۴، ۴۱).

اشکال دیگر، انتساب بنای سامرا به متوکل است (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۹)؛ در حالی که معتصم در سال ۲۲۱ق بنای سامرا را آغاز کرده (یاقوت، ۱۹۹۵م: ج ۳، ۱۷۴) و متوکل در سال ۲۳۲ق به خلافت رسیده است (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۹، ۱۵۴) مجلسی با توجه به این اشکال، احتمال داده که مقصود، تکمیل بنای سامرا باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۳۷) این توجیه با ظاهر متن سازگار نیست. ضمن این که همین خطا در روایت دیگر خصیبی نیز دیده می‌شود. او ادعا کرده امام هادی علیه السلام پیش بینی کرد متوکل شهری بنا خواهد کرد که به آن سامراء خواهند گفت (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۲۱). این گزارش دوم، با توجه به این که صورت پیشگویی دارد و مربوط به پیش از پیدایش سامراء است، قابل حمل بر تکمیل بنا نیست. بنابراین خصیبی، به اشتباه، متوکل را مؤسس سامراء می‌پنداشته و این ذهنیت در هر دو روایت او بازتاب یافته است.

در رساله رجعت، تاریخ میلاد امام مهدی علیه السلام ۸ شعبان ۲۵۷ق و تاریخ وفات امام حسن عسکری علیه السلام ۸ ربیع الاول ۲۶۰ق و در نتیجه سن امام مهدی علیه السلام در هنگام وفات پدر ۲ سال و

۷ ماه در نظر گرفته شده است (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۹؛ خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۶) مجلسی و جزایری به مخالفت تاریخ روز و سال ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با مشهور توجه کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۳۷؛ جزایری، ۱۴۲۷ق: ج ۳، ۲۴۰) نکته قابل تأمل آن که این تاریخ موافق اعتقاد خود خصیبه است (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۲۷). خصیبه حتی ظاهراً متن روایت شلمغانی درباره تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را براساس این ذهنیت تغییر داده است (قس: خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۵۵؛ با اثبات الوصیه، ۱۴۲۶ق: ۲۵۸؛ حسین بن عبدالوهاب، بی تا: ۱۳۹).

نمونه دیگر داستان حمله زید/یزید بن سنان برادرزاده جریر بن عبدالله بجلی به امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدائن است. (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۱۶) این ماجرا به این شکل از منقذات خصیبه است و وجود چنین شخصیتی با جزئیاتی که در داستان آمده، مؤید تاریخی دیگری ندارد. جالب آن که خصیبه این جزئیات را در روایت دیگری نیز گنجانده است. (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۱۹۳) احتمالاً خصیبه اصل این داستان را از ماجرای حمله جراح بن سنان اسدی به امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتباس کرده است (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ۳۵).

در رساله رجعت، جعدة، همسر امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف دختر محمد بن اشعث شمرده شده (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۱۹) در حالی که بنا بر همه منابع شیعه و سنی او دختر اشعث بن قیس و خواهر محمد بوده و این موضوع حتی در احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۶۲؛ ج ۸، ۱۶۷). خصیبه این اشتباه را در دو جای دیگر نیز تکرار کرده است:

۱. بخش امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف از الهدایة الکبری (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۱۸۴)؛

۲. الرسالة الرستباشیة، چنان که ابوسعید طبرانی از او نقل کرده است (طبرانی، ۲۰۱۶م: د): ۱۴۵.

در این رساله همچنین ادعا شده به جز ابن سبا و یاران ده گانه اش کسی اهل بیت علیهم السلام را به خدایی نگرفته (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۳۲) که برخلاف روایات بسیار و تاریخ قطعی است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۰۸-۲۹۸) علاوه بر موارد مذکور، محقق بحار نیز اشکالات متعددی بر این رساله وارد کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، پاورقی ۱-۹، ۱۳، ۲۴، ۲۵، ۳۳) از آن جمله است ذکر خواهری ناشناخته به نام عفرآء برای عمر بن خطاب (همان: پاورقی ۲۸) و نیز ذکر زیاد بن ابیه به عنوان فرمانده سپاه معاویه در جنگ با امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ در حالی که به ضرورت تاریخ، زیاد بن ابیه نه تنها پیش از صلح امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشریف جانب دار معاویه نبود؛ بلکه پس از صلح، نیز مدتی در برابر معاویه سرسختی نشان داد و بلافاصله تسلیم نشد (همان: پاورقی ۲۱)؛ همچنین

### تفاوت معنادار متن رساله رجعت با روایات امامی

بخش‌هایی از رساله رجعت، با متن طولانی منسوب به امام باقر علیه السلام درباره ظهور امام مهدی علیه السلام مرتبط است. این متن از جابر بن یزید جعفی<sup>۱</sup> (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۶۵؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۵۶)، ابو خالد کابلی<sup>۲</sup> (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۲-۲۸۱؛ قمی، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۲۰۵) و عبدالاعلی حلبی (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۵۶) روایت شده است. با این حال متن رساله رجعت نسبت به روایت امام باقر علیه السلام تفاوت‌های مهمی دارد. در روایت امام باقر علیه السلام تنها اشاره گذرایی به قرآن شده، اما در ادامه متن رساله رجعت، با تفصیل بیشتری از قرآن و کتاب‌های آسمانی سخن رفته و مسئله تحریف به میان کشیده شده است. در دیوان خصیبی نیز این زیادات به شعر درآمده است (جدول ۱/۱).

نکته مهم‌تر آن که متن روایت امام باقر علیه السلام با تعبیر «اولی الناس ب...» تنها بر نزدیکی و اولویت امام مهدی علیه السلام نسبت به انبیاء دلالت دارد؛ در حالی که در متن رساله رجعت، تعبیر «فها أنا...» بر یگانگی و اتحاد قائم با آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و امامان تأکید می‌کند. جالب آن که خصیبی در اشعار خود هر دو نوع تعبیر را با هم آورده است (جدول ۱/۱۰). این می‌تواند قرینه‌ای باشد بر این که در منبع خصیبی تعبیر نخست به کار رفته و خصیبی آن را به تعبیر دوم تغییر داده است.

تعبیر دوم با دیدگاه تناسخی خصیبی کاملاً همسواست. او در بیان سیاقه الإسم این اتحاد و یگانگی را توضیح داده است (خصیبی، ۲۰۱۴م: ۲۱۰-۱۸۸). نکته قابل تأمل آن که در متن الهدایة با وجود آن که ابتدا نام هر نبی با وصی برده می‌شود، ولی سپس فقط به یگانگی قائم با نبی حکم می‌شود.<sup>۳</sup> این از آن رو است که در آرای خصیبی و نصیریان، بر این تأکید می‌شود که وصی (= شیث = امیر المؤمنین) همان معنی (ذات خداوند) است و نبی همان اسم (= آدم = محمد) است و امامان و از آن جمله قائم، ظهورات اسم و متحد با آن تلقی می‌شوند (Friedman, 2010: p73-80, 89; اکبری، در دست‌نشر، الف، بخش ۲-۲-۳).

۱. ممکن است این شعر خصیبی به همین ریشه اشاره داشته باشد: «روایة مشتهر أهلها / تروی عن الراویین للناذر / مفضل عن سیدی جعفر / و صنوه من قبله جابر / عن خامس الحجب أبی / جعفر عالم کنه الغیب والباقر...» (مرهج، بی‌تا: ۴۲۴).

۲. ابو خالد کابلی نیز مانند جابر و مفضل نزد غالیان از ابواب به شمار می‌رود.

۳. البته در نسخه دیگر نام وصی نیز تکرار می‌شود (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۱ق: ۶، ۳۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۹) که احتمالاً یکی از دو تحریر، ناشی از تصحیح اجتهادی ناسخان است.

به عنوان مثال دیگر، در روایات امامی، «غالی» و «تالی» به عنوان دو سوی افراط و تفریط مذمت شده، و اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان حقیقی به عنوان گروه میانه معرفی می‌شوند. برای نمونه آمده است:

ما تکیه‌گاه میان راهیم که تالی به ما رسد و غالی به ما بازگردد (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۹؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۲۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۷۵؛ آملی، ۱۴۱۵ق: ۳۹۹).

در این روایات گاهی به جای «تالی»، «مقصر» نیز آمده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۶۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ق: ج ۲، ۶۲۷) همچنین در این روایات تصریح شده که مقصود از «غالی» کسی است که درباره اهل بیت علیهم‌السلام زیاده‌روی می‌کند (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۲۶، ۶۵۰).

در رساله رجعت، از این تعبیر مشهور در روایات امامیه بهره‌برداری شده و با اندکی تغییر در آن،<sup>۱</sup> معنایی کاملاً مثبت و ممدوح از دو مفهوم «تالی» و «غالی» ارائه شده است. برخلاف روایات امامیه، که تالی در آن معادل مقصر (= کوتاهی‌کننده) است، در این رساله، تالی یعنی کسی که از نیکان شیعه است و هر روایتی به او می‌رسد می‌پذیرد و شک نمی‌کند و اگر نتواند آن را تحمل کند به اهل بیت وامی‌گذارد و ردش نمی‌کند (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۱).<sup>۲</sup>

غالی نیز در این رساله، نه به معنای کسی است که اهل بیت علیهم‌السلام را به خدایی گرفته؛ بلکه به معنای کسی است که به اهل بیت علیهم‌السلام اقتدا کرده و آنها را بنده خدا می‌داند و در فضل آنها هر چه می‌خواهد می‌گوید (همان: ۴۳۲) در این رساله با تأکید، معنای منفی «غالی» انکار می‌شود؛ در حالی که در اصطلاح قرآن (نساء: ۱۷۱؛ مائده: ۷۷) و روایات متعدد امامی (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۷۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ق: ج ۱، ۷۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق: ج ۱، ۱۴۳؛ ج ۲، ۲۰۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۲۲۷)، غلو به معنای زیاده‌روی و غیرخدا را به خدایی گرفتن، به کار رفته است.<sup>۳</sup>

در ادامه متن رساله، برتری غلات بر مقصره، دو بار مورد تأکید قرار گرفته است (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۲؛ مامقانی، ۱۴۲۴ق: ۲۳۶) در حالی که در روایات امامی دقیقاً برعکس این مضمون آمده و غالیان بدتر از مقصره دانسته شده‌اند. (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۵۰؛ ابن بابویه،

۱. اَلْغَالِي تَزِدُهُ اِلَيْنَا وَ التَّالِي تُلْجِقُهُ بِنَا (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۱).

۲. خصیبی همین مضمون را در فقه الرسالة نیز آورده است: «أمرنا أن نقبل كل ما ورد علينا و ما كان هذا إلا تقدمة للفعل... كل ما ورد عليكم منّا فردوه الينا...» (خصیبی، ۲۰۱۵م: ۱۸۴).

۳. در این رساله هم‌چنین از اصطلاح «مرتفعة» معنایی بی‌ارتباط با غلو ارائه می‌شود (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۱) که برخلاف کاربرد رایج در میان امامیه است.

۱۳۷۸ق: ج ۲، ۲۰۲؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۲۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ۹۷؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۰۴) این وارونگی جایگاه عالی و مقصرا در مواضع دیگری از روایات غلات و منابع نصیری نیز می‌توان پی گرفت (قاضی عبدالجبار، بی تا: ج ۲، ۵۵۲؛ اکبری، در دست نشر، الف، بخش ۳-۵-۳ و نیز نک: بخش ۱-۵-۳).

### ناسازگاری متن رساله رجعت با برخی اعتقادات امامی

در این رساله، ضمایر و افعال اول شخص جمع (=متکلم مع الغیر) در قرآن مانند «انزلنا»، «او حینا»، «جعلنا»، «ارسلنا» و... به امامان، و ضمائر اول شخص مفرد (=متکلم وحده) مثل «خلقت»، «رزقت» و... به خداوند بازگردانده شده است (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۴۴). روشن است که این سخن به منزله اعتقاد به تفویض خلق و رزق و وحی و ارسال رسل و انزال کتب و دیگر افعال خداوند به امامان است که برخلاف عقیده امامیه است.<sup>۱</sup>

علاوه بر آن تناقض‌ها و اغلاط بسیاری نیز لازم می‌آید. مثلاً در آیه «نَزَّلْنَا عَلٰی عَبْدِنَا» (بقره: ۲۳) لازم می‌آید پیامبر ﷺ بنده خود و امامان باشد.<sup>۲</sup> جالب آن که همین مضمون در دیگر منابع غلات نصیری با صراحت بیشتری آمده است. مثلاً ابن شعبه در حقائق اسرار الدین، آن را با عباراتی مشابه از امام صادق ع روایت کرده است (ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۲۴).

در بخشی از رساله، امکان سلب مُلک از اهل بیت ع نفی می‌شود (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۱۹) که ظاهراً در راستای دو انگاره غالبانه ربوبیت امامان ع و نفی بلایا قرار دارد. واضح است که بنابر اعتقاد امامیه، مُلک از امامان غصب شده است.<sup>۳</sup> در بخش دیگری از روایت آمده است: «خداوند از آب دوستان مؤمنش پیمان گرفته که در متعه، از آنان نطفه‌ای منعقد نشود... و فرزند متعه حرام است» (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۲۵) که آشکارا بر خلاف ضروریات فقهی امامیه است.

نکته دیگر ارائه معانی توسعه یافته از ملائکه و جن است؛ به گونه‌ای که ابلیس نیز بر خلاف روایات امامیه (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۳۰۸؛ ج ۱۵، ۶۲۴) به واقع از ملائکه به شمار می‌رود (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۷). این نوع معانی توسعه یافته از ملائکه و جن در آثار نصیری به کاربرد زیادی دارد (خصیبی، ۲۰۱۴م: ۱۱۹؛ جلی، ۲۰۱۶م: الف، ۴۵؛ کلبی، ۲۰۱۶م: ۳؛ طبرانی،

۱. در نسخه صحیفه الابرار، تفویض با صراحت بیشتری بیان شده است (مامقانی، ۱۴۲۴ق: ۲۳۵).

۲. در منابع نصیری مقصود از تفویض، تفویض مُلک و تکوین از سوی معنی (=امیر النحل علی) به اسم (=محمد ﷺ) است (خصیبی، ۲۰۱۴م: ۲۱۶، ۱۶۹).

۳. برای نمونه: «سَلْبُونِي سُلْطَانِ ابْنِ اُمِّي» (نهج البلاغه، نامه ۳۶).



۱۹۴۳ق: ۱۵۶؛ ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۱۵۸؛ الحجب و الأنوار، ۲۰۰۶م: ۴۳؛ عصمة الدولة، ۲۰۱۶م: ۵۹۶). شیخ یوسف علی خطیب از مشایخ متأخر نصیری، در شرح بخشی از رساله رجعت، برای جن و ملائکه، معنایی باطنی در نظر گرفته و آن را بر مراتب شناخته شده مذهب نصیری حمل کرده است (خطیب، ۲۰۱۶م: ۹).

در سراسر رساله رجعت، آیاتی که به ظاهر مربوط به قیامت است، بر رجعت حمل شده است. به عنوان مثال ادعا شده در رجعت جویبارهایی از آب و غسل و خمر جاری می شود (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۳۰) که اشاره به آیه ۱۵ سوره محمد ﷺ دارد، این مضمون در دیوان خصیبه نیز آمده است (مرهج، بی تا: ۴۲۸). نکته قابل تأمل، روان شدن جوی «خمر» در دنیا است که همسو با دیدگاه نصیری درباره حلیت خمر است (مرهج، بی تا: ۴۹۷؛ ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۱۳۷-۱۴۱).

آیاتی که در این رساله بر رجعت حمل شده، عبارت‌اند از: طارق: ۹؛ حج: ۲؛ اعراف: ۱۸۷؛ لقمان: ۳۴؛ محمد: ۱۸؛ قمر: ۱؛ شوری: ۱۷؛ زمر: ۷۴؛ هود: ۱۰۸-۱۰۵؛ شوری: ۱۸؛ انبیاء: ۱۰۳؛ آل عمران: ۳۰؛ ابراهیم: ۴۳؛ تکوین: ۸ (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۵۵-۴۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۳۴-۲) توجیه همه این موارد دشوار به نظر می رسد. گفتنی است نصیریان از قیامت و رجعت برداشتی تناسخی دارند و در همین راستا بسیاری از آیات قیامت را بر مواقف دنیا مانند رجعت حمل کرده‌اند (مرهج، بی تا: ۳۹؛ خصیبه، ۲۰۱۴م: ۱۷۶، ۱۷۹؛ حمین، ۲۰۱۶م (ب): ۲۲۵؛ اکبری، در دست نشر، الف، بخش ۱-۴-۳). نصیری به برخی منابع خود، قیامت کبری را همان رجعت می دانند (مرهج، بی تا: ۳۶۷) نمونه‌های بیشتری از ناسازگاری این رساله با عقاید امامیه در بخش ۳ ارائه می شود.

### بررسی نسبت متن رساله رجعت با آموزه‌های نصیری

خصیبه، راوی اصلی رساله رجعت، مؤسس مذهب نصیری، به شمار می رود (فریدمن، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۱۴۳؛ رحمتی، ۱۳۸۵: سرتاسر) نویسندگان نصیری نیز به رساله رجعت توجه داشته (خطیب، ۲۰۱۶م: ۹) و از شهرت آن سخن گفته‌اند (حمین، ۲۰۱۶م (الف): ۲۰). سیدحسین مدرسی به ارتباط رساله رجعت با افکار غالیان و به ویژه اندیشه ادوار و کوار<sup>۱</sup> اشاره کرده است (مدرسی، ۱۳۸۶: ۴۰۵-۴۰۴). در بخش‌های پیشین نیز نشانه‌هایی از پیوند متن

۱. به دوره‌های چند هزارساله تناسخ، اکوار (ج کور) و ادوار (ج دور) گفته می شود که مدت زمان هریک و تعریف دقیق آن در منابع نصیری تفاوت‌هایی دارد (Friedman, 2010: p110-112).

رساله با اندیشه‌های نصیری ارائه شد و در این بخش شواهد بیشتری ارائه می‌شود.

### ویژگی‌های زبانی و ادبی رساله رجعت و پیوند آن با منابع نصیری

متن رساله رجعت، به صورت یک گفتگوی شفاهی میان مفضل و امام صادق علیه السلام است. در این متن بسیار بلند (حدود ۱۷۴۰۰ کلمه) هیچ نشانه‌ای از کتابت در مجلس گفتگو به چشم نمی‌خورد. طبعاً، ضبط و انتقال چنین گفتگوی طولانی به صورت شفاهی، ممکن نبوده؛ به ویژه که متن حدیث، بسیار دقیق و شامل جزئیات و عناصر بسیاری است که به ترتیب کنار هم چیده شده است.<sup>۱</sup> همچنین متن این رساله با منابع پیشین مانند حدیث امام باقر علیه السلام (نک: بخش ۲.۱) و نیز کتاب *الهفت* (نک: بخش ۳.۲) در ارتباط است. همه این شواهد نشان می‌دهد این متن از ابتدا به صورت مکتوب تنظیم شده و پیدایش نخستین آن به صورت شفاهی نبوده است.

رساله‌های طولانی به صورت پرسش و پاسخ میان مفضل و امام صادق علیه السلام (مانند *الهفت الشریف*، *الرسالة المفضلیة*، *توحید مفضل* و...) قالبی کاملاً شناخته شده در میان غالیان است. برخی از این رساله‌ها را خود خصیبه روایت کرده است (اکبری، بی تا: الف، بخش ۱-۲-۲). بنابراین می‌توان مسئولیت تنظیم این متن را متوجه خود خصیبه دانست.

نمود سبک داستانی ویژه خصیبه در این روایت، این گمان را تقویت می‌کند. به عنوان مثال در این رساله، ضمن گفتگوی امام صادق علیه السلام و مفضل، داستان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیقین به تفصیل بیان شده و در میان آن به مناسبت رجعت اهل بیت علیهم السلام، وقایعی که بر هر یک رفته، با تفصیل زیاد و به همراه چند حکایت دیگر، از زبان خودشان بازگو می‌شود. مثلاً در گفتگوی گله‌آمیز امام علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در رجعت، بسیاری از مسائل جزئی مطرح شده، تا آن جا که هنگام ذکر تقدّم ابوبکر در نماز به وقت بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله، نه تنها جزئیات ماجرا بازگو می‌شود، بلکه حتی وجوه مختلف استناد مخالفان به این ماجرا از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام مطرح شده و پاسخ داده می‌شود؛ گویی که مقام، مقام مناظره کلامی است (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۲۸-۴۰۵).

در واقع در بطن گفتگوی امام صادق علیه السلام و مفضل، گفتگوی آتی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و باز در بطن آن نقل برخی وقایع گذشته نهفته است. دقیقاً مانند برخی

۱. درباره احادیث بلند، پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله قندهاری و راد، احادیث طول در میراث مکتوب سده نخست هجری.

فیلم‌نامه‌ها که در میان گفتگوی دو نفر، نقبی به گذشته یا آینده زده و سرگذشتی دیگر مرور می‌شود و باز در درون سرگذشت دوم، به زمانی دیگر منتقل شده و صحنه‌هایی دیگر به نمایش گذاشته می‌شود. این رفت و برگشت میان آینده و گذشته، سبک داستانی تو در تو (حکایت در حکایت در حکایت) و مرور ترتیبی بر تاریخ در قالب یک محاوره، در بسیاری از روایات دیگر خصیبه نیز دیده می‌شود.

به عنوان مثال خصیبه در *فقه الرسالة الرستباشیه*، روایتی غالیانه به جابر بن عبدالله انصاری نسبت داده که بنا بر آن، در میانه جنگ جمل و در حالی که طلحة در شرف مرگ است، گفتگویی میان جابر و طلحة با بیش از ۶۰۰ کلمه در می‌گیرد و در این گفتگو، یک دور، تاریخ، خلاصه‌وار از زمان پیامبر ﷺ تا روز جمل، آن هم با جزئیات غیرمتناسب، مرور می‌شود (خصیبه، ۲۰۱۵: ۱۸۳-۱۷۹).

خصیبه وصیت امام حسن علیه السلام به امام حسین علیه السلام را در حدود ۹۰۰ کلمه روایت کرده است. در این وصیت امام حسن علیه السلام در حدود ۶۶۰ کلمه به ذکر مطاعن اشعث بن قیس، می‌پردازند و سرگذشت اشعث را شرح می‌دهند. در حالی که بیان سرگذشت اشعث در وصیت امام حسن علیه السلام توجیهی ندارد؛ زیرا امام حسین علیه السلام، خود شاهد سرگذشت اشعث بوده است. در واقع اگر دقت شود، این خود نویسنده است که در صدد شرح حال اشعث برای خواننده کتاب است و به اندک مناسبتی این تفصیلات را در گفتگوی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام وارد کرده است. در همین گزارش، امام حسن علیه السلام در حدود ۲۴۰ کلمه ماجراهایی را که هنگام دفن ایشان رخ خواهد داد، پیشگویی می‌کنند و نیز ضمن نقل گفتگویی از امیرالمؤمنین علیه السلام با اشعث، خلاصه‌ای از حوادث آینده کربلا بیان می‌شود (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۱۸۶-۱۸۴) بنابراین در این جا هم سبک حکایت در حکایت، مشاهده می‌شود.

بنا بر روایت دیگری از امام سجاد علیه السلام، امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، در پاسخ قاسم بن حسن علیه السلام، جزئیات برخی حوادث فردا را به صورت ترتیبی در بیش از ۱۸۰ کلمه بیان می‌کنند (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۲۰۵-۲۰۴). در انتهای همین گفتگو، سرنوشت امام سجاد علیه السلام را در قالب پاسخی که فردا به پرسش زهیر و حبیب خواهند داد، بیان می‌کنند. باز در این جا با سبک حکایت در حکایت در حکایت مواجهیم.

در روایت دیگری، امام جواد علیه السلام در گفتگو با ابوهاشم جعفری، ماجرای سوء قصد آتی مأمون به ایشان را با تمام جزئیات (بیش از ۳۵۰ کلمه) پیشگویی می‌کنند (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۰۴-۳۰۶). سخنان آینده مأمون به ام‌الفضل، درباره ماجرای سوء قصد گذشته خود به امام رضا علیه السلام

نیز روایت می‌شود که در واقع پیوندی است که خصیبه به داستان قبلی خود درباره امام رضا علیه السلام داده است (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۲۸۲-۲۸۰). در این روایت نیز سبک داستانی حکایت در حکایت در حکایت مشاهده می‌شود.

در داستان بلند احتجاج امیرالمؤمنین علیه السلام بر ابوبکر، ایشان جزئیاتی از گذشته را در حدود ۵۴۰ کلمه به ابوبکر یادآوری کرده و در ادامه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را به صورت زنده به او نشان می‌دهد. ابوبکر دچار ترس شده و قصد می‌کند که حکومت را به امیرالمؤمنین علیه السلام بازگرداند. عمر مانع کار شده و با یادآوری سحر محمد صلی الله علیه و آله او را از این کار باز می‌دارد. نکته قابل توجه این که عمر در این روایت، داستان شراب‌خواری ابوبکر در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله را با جزئیات بسیار و نقل اشعار و... (۵۰۰ کلمه) به او یادآوری می‌کند (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۱۰۸-۱۰۲). روشن است که هیچ‌گاه در یک گفتگوی واقعی جزئیات وقایع با این تفصیل، آن هم بر شخصی که خود محور آن وقایع بوده، یادآوری نمی‌شود!

پیشگویی سرگذشت مفصل عمرو بن الحمق از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۱۵۶-۱۵۴)، پیشگویی تفصیلی امیرالمؤمنین علیه السلام درباره رجعت در گفتگو با عمر بن خطاب (همان: ۱۶۴-۱۶۲) شرح مظالم اهل سقیفه در وصیت حضرت زهرا علیها السلام (همان: ۱۷۸-۱۷۹) نمونه‌های دیگری از این سبک داستانی خصیبه است که در میان نویسندگان دیگر کمتر دیده می‌شود. در عین حال خصیبه این داستان‌ها را به خود نسبت نمی‌دهد بلکه برای آنها اسناد متنوعی ادعا می‌کند.

نکته قابل توجه دیگر آن که خصیبه در رساله رجعت، مضامین و عباراتی آورده که همان‌ها را در روایات دیگر الهدایه نیز با سند مستقل گنجانده است. این مضامین و عبارات معمولاً از منفردات خود خصیبه است و در جای دیگری یافت نمی‌شود. برای نمونه برشمردن چهار موضعی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت گرفت با تعبیر «اربع مواطن»، دو بار در رساله رجعت (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۰۸، ۴۱۲) و چهار بار در روایات دیگر الهدایه آمده است (همان: ۱۰۲، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۱) در حالی که به این شکل در منابع دیگر یافت نمی‌شود این چهار بیعت در منظومه فکری نصیریّه جایگاه ویژه‌ای دارد و درباره آن بارها سخن گفته و به شرح آن پرداخته‌اند (حمین، ۲۰۱۶م: ۳۷؛ حمین، ۲۰۱۶م: ۳۱۰).

همچنین شرح وقایع پس از پیامبر صلی الله علیه و آله در رساله رجعت و در روایت دیگری از الهدایه از نظر معنا و لفظ بسیار نزدیک و به این شیوه منحصر به فرد است (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۱۷۹-۱۷۸؛ ۴۰۷-۴۰۶) این در حالی است که میان سند رساله رجعت با روایات دیگر ارتباط و اشتراکی - جز

در مؤلف - وجود ندارد. بنابراین از این تکرارهای گسترده می‌توان دریافت که احتمالاً مؤلف دغدغه‌های خود را در داستان‌های جداگانه داخل کرده و ذهنیت خود را در آن بازتاب داده است.

قرینه دیگر، نمود پرننگ تعابیر و اصطلاحات خاصّ خصیبه یا هم‌کیشان او است که در جدول شماره ۲ برخی از آنها به عنوان نمونه ذکر شده است.<sup>۱</sup>



۱. علاوه بر موارد ذکر شده باید به تعابیر «الأظلة» (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۰۸، ۴۳۸-۴۳۷)، «الخلق المنکوس» (همان: ۳۹۳؛ حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۵) و تعبیر «السید محمد» (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۵۰، ۴۵۵) اشاره کرد که بنا بر تتبع نگارنده بیشتر در روایات متهمان به غلو تکرار می‌شود. کاربرد اصطلاح «النقباء» و «التجباء» نیز قابل توجه است. همچنین در این روایت تعبیر «مقصزه» و «مرتفعه» (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۳۱، ۴۱۹) در معنای نصیری آن به کار رفته است (نک: اکبری، بی تا (الف): بخش ۳-۵-۳).

جدول شماره ۲: تعابیر و اصطلاحات ویژه خصیبی یا نصیری و غالبان در رساله رجعت

تعبیر	رساله رجعت	نمونه شواهد از غالبان
۱. سلسل	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۳	مرهج، بی تا: ۳۶۹؛ خصیبی، ۲۰۱۴م: ۲۲۰، ۱۹۱؛ الرسالة المفضلیة، ۲۰۰۶م: ۱۲
۲. کور و دور	حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۴۹	الاکوار النورانیة، ۲۰۰۶م: سرتاسر
۳. الرجعة البیضاء و الکزة الزهراء	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۲	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۲۸؛ مرهج، بی تا: ۵۵، ۱۳۹، ۴۹۲؛ خصیبی، ۲۰۱۴م: ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۳۳، ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۸۲
۴. الحسن الحادی عشر	حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۴۳؛ خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۲۷، ۳۹۷	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۸؛ خصیبی، ۲۰۱۶م: ۲۳؛ طبرانی، ۲۰۱۶م (ب): ۳۶-۳۴؛ حلی، ۲۰۰۶م: ۴۴؛ طبرانی، ۲۰۱۶م (د): ۷۹؛ طبرانی، ۲۰۱۶م (ب): ۳۲-۳۳؛ عصمة الدولة، ۲۰۱۶م: ۴۲، ۱۵۴، ۳۵۹، ۳۶۵؛ التعليم الدینی، ۲۰۰۸م: ۱۹
۵. آدم الأول	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۸	ابن شعبة، ۲۰۰۶م: ۶۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۶
۶. نَاسِبِينَ غَيْرَ مُتَنَاسِبِينَ / نَاسِبِينَ لَا مُتَنَاسِبِينَ	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۳، ۴۳۵	ابن شعبة، ۲۰۰۶م: ۷۱
۷. هُوَ الْمَكُونُ وَ نَحْنُ الْمَكَان	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۴	خصیبی، ۲۰۱۴م: ۱۲۲، ۱۸۰؛ الرسالة المفضلیة، ۲۰۰۶م: ۱۶؛ عصمة الدولة، ۲۰۱۶م: ۴۲۲
۸. هُوَ الْمَعْنَى وَ نَحْنُ أَشْمَاؤُهُ الْمَعَانِي	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۵	خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۲۳۰

اصول عقاید نصیری در رساله رجعت

در بخش قبل به موضع مثبت رساله رجعت نسبت به «غلو» پرداخته شد. برخی تحقیقات نیز شواهدی از اعتقاد به حلول در رساله رجعت را آورده‌اند (اکبری، بی تا: الف، بخش ۳-۲-۳).

۱. این بخشی از خطبه‌ای منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است که رجب بررسی نیز آن را به کتاب الواحدة نسبت داده است (برسی، ۱۴۲۲ق: ۲۵۸). نقل برسی تفاوت‌ها و کاستی‌هایی نسبت به نقل خصیبی دارد. اگر انتساب این خطبه به کتاب الواحدة ابن جمهور درست باشد و در نقل برسی افتادگی و تلخیص روی نداده باشد، ممکن است خصیبی از روایتی که متعلق به غالبان متقدم بوده، استفاده کرده و آن را پرورش داده و مضامین نصیری را به آن افزوده باشد.

همچنین در متن روایت، معنایی مثبت از لفظ «غلو» آرایه و چنین القاء شده که هر نوع غلوئی به ویژه درباره علم امام، در برابر کُنه فضل امام اندک است (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۶).<sup>۱</sup> یکی دیگر از نشانه‌های غلو در این روایت، کاربرد تعبیر «ازلّین» (همان: ۴۳۴-۴۳۳) و «الانبياء و الرسل» (همان: ۴۴۴) برای امامان است.<sup>۲</sup> در بخش ۱.۲ نیز گفته شد در متن رساله رجعت به بابت محمد بن نصیر تصریح و به بابت مفضل اشاره شده که از عقاید نصیری به بر خلاف عقاید امامیه است.

در رساله رجعت عقاید خاصی درباره «أکوان سئة» (مراتب شش گانه وجود) آمده که هم در دیوان خصیبی (جدول ۱/۳۸) و هم در رساله رستبائیه به تفصیل شرح داده شده است (خصیبی، ۲۰۱۴م: ۲۶۲-۲۵۹). یک بخش طولانی (حدود ۵۰۰ کلمه) نیز به اندیشه تناسخی ۷ آدم و ۷ عالم و تفسیر «اظله و اشباح و حجب» بر پایه آن، سخن رفته (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۳۹-۴۳۷) که عیناً در کتاب الهفت دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

در جای دیگر از رساله رجعت نیز به تناسخ ابوبکر و عمر و کارهای آن دو در هر «کور» و «دور» اشاره شده است؛ از جمله: قتل هابیل، فراهم کردن آتش برای ابراهیم، انداختن یوسف در چاه، کشتن یحیی، سوزاندن جرجیس و دانیال و... (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۴۰۲-۴۰۱).<sup>۴</sup> ظهور ابوبکر و عمر (=ضد) در «اکوار» و «ادوار» مختلف به صورت‌های گوناگون (ابلیس، قابیل و...)، جزء ثابت اندیشه تناسخی خصیبی است (خصیبی، ۲۰۱۵م: ۵۲؛ خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۷۸-۷۷). حبس یونس در شکم ماهی - که فعل خدا است - به ابوبکر و عمر نسبت داده شده و آن دو را برای این کار، مستحق عقوبت شمرده است. تعبیر «صلب عیسی» نیز مطابق با دیدگاه مسیحیان و برخلاف قرآن و عقیده مسلمانان است. (نساء: ۱۵۷) خصیبی نگاه تناسخی خود را حتی به آتش نیز تعمیم داده و تصریح کرده آتشی که عمر بر در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام افروخت، همان آتشی بود که برای ابراهیم و جرجیس و دانیال و هر پیامبر و صدیق و مؤمنین

۱. در واقع الگوی این جمله مشابه و رقیق شده این روایت غالیانه منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام است: «إن لی منزلة لم تخطر علی قلب بشر ولم یحظ بها الفکر، وإن الربوبیة لتخطر علی قلب البشر» (ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۱۴۶).

۲. در روایات امامیه نسبت نبوت و رسالت به امامان شدیداً نهی شده است (برای نمونه نک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۶۹؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۴۶، ۲۹۷، ۳۰۱؛ درباره تعبیر ازلیت نک: اکبری، بی تا: الف، فصل ۳).

۳. متن الهفت در برخی نسخ آن به مفضل (الهفت، ۲۰۰۶م: ۲۹۶-۲۹۳) و در برخی دیگر به یونس بن ظبیان نسبت داده شده است. (ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۶۲-۶۰)

۴. سید نعمت الله جزایری و شیخ احمد احسائی، وجوه در تأویل این بخش ذکر کرده‌اند (جزایری، ۱۴۲۷ق: ۲۴۲/۳-۲۴۱؛ احسائی: ۱۴۲۷ق، ۲۸۴-۲۸۳) که به علت عدم گنجایش مقاله، نقد آن‌ها را در اثر مفضل تری پیگیری خواهیم کرد.

افروخته شده بود و در رجعت، عمر با همان آتش عقوبت خواهد شد<sup>۱</sup> (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۶۳؛ مرهج، بی تا: ۴۳۴-۴۳۳، ۴۹۱)

### مضامین ویژه منابع نصیری در رساله رجعت

ارتباط برقرار کردن میان داستان «اصحاب اخدود» و عبدالله بن سبا و یارانش (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۳۲) یکی از رموز نصیری رساله رجعت است. خصیبه، عبدالله بن سبا و یاران ده گانه اش را - که قائل به الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام بودند - همان اصحاب اخدود می داند که سوره بروج در مدح آنان نازل شده است. خصیبه این اعتقاد را در رساله رستبایشیه شرح داده است (خصیبه، ۲۰۱۴م: ۱۶۸-۱۶۳).

در رساله رجعت آمده است:

وَمَا لِلَّهِ سِرٌّ إِلَّا وَقَدْ وَقَعَ إِلَى هَذَا الْخُلُقِ الْمُنْكَوسِ الصَّالِّ عَنِ اللَّهِ الرَّغِيبِ عَنِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ  
مَا لِلَّهِ خِزَانَةٌ هِيَ أَحْصَى سِرًّا عِنْدَهُمْ أَكْبَرَ مِنْ جَهْلِهِمْ بِهِ وَإِنَّمَا أُتِيَ قَوْلُهُ إِلَيْهِمْ لِيَتَكُونَ لِلَّهِ  
الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ<sup>۲</sup> (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۹۳؛ حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۳، ۳).

پیوند این بخش با قبل و بعد آن چندان محکم نیست و به نظر می رسد غرض تنها آن بوده که یک اعتقاد نصیری در میان رساله گنجانده شود.

مؤیدش آن که این مضمون با الفاظ مشابه، در منابع متعدّد نصیری - گاهی به صورت روایت و گاهی بدون انتساب به معصوم - تکرار شده است (ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۱۶۹؛ جلی، ۲۰۰۶م (الف): ۱۳؛ جلی، ۲۰۰۶م (ب): ۷؛ حمین، ۲۰۱۶م (ج): ۵۰؛ حیدر، ۲۰۱۶م: ۱۹؛ ربیع، ۲۰۱۶م (ج): ۲۲) خصیبه خود در رساله رستبایشیه نیز این مضمون را آورده و به شرح آن پرداخته است (خصیبه، ۲۰۱۵م: ۱۸۵). در منابع نصیری همچنین روایات دیگری به این مضمون یافت می شود (ابن شعبه، ۲۰۰۶م: ۱۶۹؛ طبرانی، ۲۰۱۶م (د): ۸۰؛ و نیز نک: طبرانی، ۲۰۱۶م (الف): ۱۶؛ حمین، ۲۰۱۶م (ب): ۲۷۱؛ ربیع، ۲۰۱۶م (ب): ۲۱).

در بخش دیگری از رساله رجعت، در تفسیر آیه ۲۴۳ سوره بقره، داستان زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل با دعای «حزقیل بن عجوز» آمده است. حزقیل در عید «نوروز» بر اجساد آنان آب

۱. برای نمونه مشابه با تبیین متفاوت نک: دلائل الإمامة، ۱۴۱۳ق: ۴۵۵.

۲. «خداوند هیچ رازی ندارد مگر آن که به دست این آفریدگان واژگون و گمراه از خدا و رویگردان از دوستان خدا افتاده است و خداوند هیچ گنجینه ای ندارد که برای نگهداری راز محکم تر از جهل آن ها به این راز باشد و سخن خدا تنها از آن رو به آنان داده شده که خدا بر آنان حجت داشته باشد».



پاشید و خداوند به برکت آن روز زنده‌شان کرد. (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۲۰؛ نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ۳۵۴) خصیبه همین داستان را در فقه الرسالة نیز آورده است (خصیبه، ۲۰۱۵م: ۶۱). او همچنین در رساله رستباشیه از رسم آب‌پاشی و زینت بستن در نوروز سخن گفته (خصیبه، ۲۰۱۴م: ۲۱۲) و در دیوان خود، شعری غالبانه در فضل نوروز و مطابقت آن با عید غدیر سروده است (مرهج، بی تا: ۴۹۷-۴۹۵؛ برای شناخت جایگاه نوروز و رسم آب‌پاشی در مذهب نصیری ر.ک: طبرانی، ۱۹۴۳م: ۲۱۲-۱۸۸).

از دیگر اشتراکات رساله باطنی رستباشیه با الهدایة الکبری می‌توان به وجه تسمیه سلمان (=باب) به سلسل و سلسبیل اشاره کرد (خصیبه، ۲۰۱۴م: ۲۱۷-۲۱۶) که در الهدایة نیز نمود یافته است (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۳۳). همچنین سخنان او درباره مجوس (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۳۷؛ خصیبه، ۲۰۱۴م: ۱۹۳-۱۹۲) و فرقه‌های مخالف مانند شراة، ناصبة، مرچة، بتریة، جهمیة و... (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۳۱؛ خصیبه، ۲۰۱۴م: ۱۲۴؛ مرهج، بی تا: ۲۷۲-۲۷۰، ۳۳۸) در این دو رساله به هم نزدیک است.

تأکید ویژه بر حقوق اخوان، از مضامینی است که در غالب منابع غالیان نمود پررنگی دارد؛ از اصول آنان به شمار می‌رود و به نوعی اشتراکی‌گری ختم می‌شود (عادل زاده، ۱۳۹۸/۳/۲۸: alasar.blog.ir). در رساله رجعت نیز جملاتی به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده شده که در راستای همان اشتراکی‌گری و حقوق اخوان در میان نصیرییه است. این بخش از حدیث به تفسیر مفهوم «صعب» و «مستصعب» و «مواسات» و «مساوات» می‌پردازد (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۴۴۰). جالب آن‌که میمون طبرانی متن مشابهی در تفسیر این مفاهیم به محمدبن سنان نسبت داده است (طبرانی، ۲۰۱۶م (ج): ۱۱۵). در روایت محمدبن سنان، مفهوم اشتراکی‌گری با صراحت بیشتری بیان شده است.

در رساله رجعت دو بار نام «صابر» آمده که تصحیف «صاریا» است (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۹۵).<sup>۲</sup> در روایات دیگر خصیبه نیز صاریا محلی متعلق به امامان در نزدیکی مدینه معرفی شده است (خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۲۸۷، ۳۶۹، ۳۷۳). در واقع مقصود خصیبه، همان «صاریا» است که قریه‌ای بوده در سه میلی مدینه و امام کاظم علیه السلام آن را آباد کرده است (فراهیدی،

۱. خصیبه به ارائه الگوهای اشتقاق و ترکیب برای ریشه‌یابی کلمات علاقه زیادی داشته و این رویکرد در بسیاری از غالیان دیده می‌شود.

۲. چنان که در روایت دیگری نیز عین همین تصحیف رخ داده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۶۸؛ خصیبه، ۱۴۱۹ق: ۳۷۳).

۱۴۰۹ق: ج ۴، ۴۰۲؛ سروی، ۱۳۷۹ق: ج ۴، ۳۸۲).

به اعتقاد نصیریه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هنگام غیبت (=وفات) امام حسن عسکری علیه السلام از صاریا حاضر شده؛ بر ایشان نماز خواند (ربیع، ۲۰۱۶م (الف): ۶۰) و سپس دوباره در صاریا پنهان شد و در آینده از آن ظهور خواهد کرد (حمین، ۲۰۱۶م (الف): ۱۹). خصیبی در روایتی غالیانه درباره غیبت باب و اسم و معنی، سه بار از «المنتظر بصاریا المدینة»<sup>۱</sup> یاد کرده (طبرانی، ۲۰۱۶م (ب): ۳۶-۳۵) و از شنیده شدن صدای امام مهدی علیه السلام در صاریا، سه سال پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام سخن گفته است (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۶۹).

همچنین از دیدار عیسی بن مهدی جنبلانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۲۶۸ق در صاریا به گونه‌ای یاد کرده که گویی عده قابل توجهی از حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صاریا مطلع بوده و به دیدارش می‌شتافته‌اند (خصیبی، ۱۴۱۹ق: ۳۷۳).<sup>۲</sup> نکته جالب آن که خصیبی در روایت جنبلانی از دیده شدن «گله بزهای ماده کوچک لاغر» یاد کرده است. بنابراین رساله رجعت نیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حالی در مکه ظهور خواهد کرد که چنین گله‌ای را در پیش خود می‌راند (حلی، ۱۴۲۱ق: ۴۴۲-۴۴۰). اشاره به این گله در هیچ منبع دیگری یافت نمی‌شود. پیشتر اشاره کردیم که خصیبی ایده‌های ذهنی و ادبی خود را در روایات مختلف تکرار می‌کند. در این جا نیز پیوند میان این گله و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دو روایت به ظاهر مستقل تکرار شده است. دقیقاً روشن نیست که خصیبی از اشاره به این گله چه مقصودی داشته و نسبت آن با دیدگاه‌های خصیبی (به ویژه تناسخ) نیازمند بررسی است.

### نتیجه‌گیری

رساله رجعت منسوب به مفضل بن عمر، احتمالاً از حدود قرن هشتم به سنت روایی امامیه راه یافته و از قرن ۱۱ق جایگاه ویژه‌ای در آثار محدثان پیدا کرده است. مسؤل اصلی نقل این رساله، خصیبی رهبر فکری فرقه نصیریه است. خصیبی مضمون این رساله را در دیوان خود به شعر درآورده است. با توجه به شواهدی که در بخش اول آورده شد، ظاهراً سند خصیبی تا مفضل ساختگی است. در متن این رساله اشکالات تاریخی و اعتقادی متعددی وجود دارد که نمونه‌هایی از آن در بخش دوم بررسی شد.

۱. در این روایت دو بار «صاریا المدائن» و یک بار «صاریا المدینة» آمده است. در رساله سلامیه نیز صاریا المدائن آمده است (حمین، ۲۰۱۶م (الف): ۱۹).

۲. البته ابن بابویه نیز از محمد بن شاذان نیشابوری از شخصی کابلی نقل کرده است که یک سال امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در صریا ملاقات کرده ولی سال بعد او را در آن جا نیافته است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۴۰).

پیدایش این رساله به صورت مکتوب بوده و نه تنها سند، بلکه هیئت و قالب گفتگوی آن نیز ظاهراً ساختگی است. مسئول شکل نهایی این رساله را باید خود خصیبه دانست. او در پردازش قالب این رساله، از منابع روایی پیشین، مانند روایت امام باقر علیه السلام درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره برده و آموزه‌های باطنی نصیری مانند تناسخ، باییت و نمادها و آداب غالیانه را به صورت رمزگونه در آن گنجانده است.

سند و متن این رساله به شکل کنونی، جعلی و وابسته به جریان غلو است. در عین حال، از آن جا که خصیبه در تدوین این رساله از متون امامی پیشین بهره برده، می‌تواند اطلاعات تاریخی و روایی سودمند و متنوعی در اختیار محققان قرار دهد که بررسی آن نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است.

## منابع

### قرآن کریم

### نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران: جهان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ ق)، *علل الشرایع*، قم: دآوری.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، دوم.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ ق)، *اعتقادات الإمامیه*، قم: کنگره شیخ مفید، دوم.
۷. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۲۰۰۶ م)، *حقاتق اسرارالدین (سلسلة التراث العلوی)*، تحقیق: ابوموسی حریری، دیار عقل: دار لأجل المعرفة، اول.
۸. احسائی، احمد بن زین العابدین (۱۴۲۷ ق)، *الرجعة*، بیروت: فکر الأوحد.
۹. *أخبار الدولة العباسية*، تحقیق: عبدالعزیز الدوری، عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطلیعة.
۱۰. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰ ش)، *المقالات والفرق*، تهران: علمی و فرهنگی، دوم.
۱۱. اکبری، عمیدرضا (بی تا «الف»)، *نصیریه: تاریخ، منابع و عقاید*، قم: دانشگاه ادیان.
۱۲. اکبری، عمیدرضا (بی تا «ب»)، *چندلایگی اسناد طب الائمه منسوب به فرزندان بسطام و تلاش برای تعیین مؤلف و مشایخ او*.

١٣. أكبرى، عميدرضا، نقش حسين بن حمدان خصيبي در جعل اخبار بابيت محمد بن نصير: <https://alasar.blog.ir/1400/02/11/Ibn-Nusayr>
١٤. الأكوار النورانية (٢٠٠٦م)، سلسلة التراث العلوي ١، تحقيق: ابوموسى حريرى، ديار عقل: دارلأجل المعرفة، اول.
١٥. أملى طبرى، محمد بن جرير بن رستم (١٤١٥ق)، المسترشد، مصحح: احمد محمودى، قم: كوشانيور، اول.
١٦. بحراني، سيدهاشم (١٤١١ق)، حلية الأبرار، قم: المعارف الإسلامية، اول.
١٧. بحراني، سيدهاشم (١٤١٣ق)، مدينة معجز الأئمة، قم: المعارف الإسلامية، اول.
١٨. برسى، رجب (١٤٢٢ق)، مشارق أنوار اليقين، محقق: على عاشور، بيروت: أعلمى، اول.
١٩. بلاذرى، احمد بن يحيى (١٤١٧ق)، جمل من أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار، رياض الزركلى، بيروت: دارالفكر، اول.
٢٠. التعليم الدينى (٢٠٠٨م)، سلسلة التراث العلوي ٩، تحقيق: ابوموسى حريرى، بيروت: دارلأجل المعرفة، اول.
٢١. تهراني، آقا بزرگ (١٤٠٨ق)، الدررعة إلى تصانيف الشيعة، قم: اسماعيليان.
٢٢. جعفى، مفضل بن عمر (٢٠٠٦م)، الرسالة المفضلية (سلسلة التراث العلوي)، تحقيق: ابوموسى حريرى، ديارعقل: دارلأجل المعرفة، اول.
٢٣. جلى، محمد بن على (٢٠٠٦م «الف»)، باطن الصلاة (سلسلة التراث العلوي)، تحقيق: ابوموسى حريرى، ديارعقل: دارلأجل المعرفة، اول.
٢٤. جلى، محمد بن على (٢٠٠٦م «ب»)، الرسالة المسيحية (سلسلة التراث العلوي)، تحقيق: ابوموسى حريرى، ديارعقل: دارلأجل المعرفة، اول.
٢٥. الحجب و الأنوار (٢٠٠٦م)، سلسلة تراث العلوي ٦، تحقيق: ابوموسى حريرى، ديارعقل: دارلأجل المعرفة، اول.
٢٦. حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٢٥ق)، إثبات الهداة، بيروت: أعلمى، اول.
٢٧. حلى، حسن بن سليمان (١٤٢١ق)، مختصر البصائر، محقق: مشتاق مظفر، قم: نشر اسلامى، اول.
٢٨. حلى، حسن بن يوسف (١٤١١ق)، رجال العلامة الحلى، محقق: محمد صادق بحر العلوم، نجف: دارالذخائر، دوم.
٢٩. حمّين، حسين احمد (٢٠١٦م «الف»)، الرسالة السلامية، المجموعة الكاملة - الكترونيك: archive.org.

٣٠. حمّين، حسين احمد (٢٠١٦م «ب»)، *قلائد الدرر، المجموعة الكاملة-الالكترونيك*: archive.org.
٣١. حمّين، حسين احمد (٢٠١٦م «ج»)، *المقامات الحسنی، المجموعة الكاملة-الالكترونيك*: archive.org.
٣٢. حمّين، حسين احمد (٢٠١٦م «د»)، *تذكرة الأفكار، المجموعة الكاملة-الالكترونيك*: archive.org.
٣٣. حيدر، عبدالهادی (٢٠١٦م)، *مسائل موجهة من الشيخ عبدالهادی حيدر إلى الشيخ على عبدالله الصنصافة، المجموعة الكاملة-الالكترونيك*: archive.org.
٣٤. خصيبي، حسين بن حمدان (١٤١٩ق)، *الهداية الكبرى، بيروت: البلاغ*.
٣٥. خصيبي، حسين بن حمدان (١٤٣٢ق)، *تاريخ النبي والائمة ومعجزاتهم المسمى بالهداية الكبرى، الحمصي، المصطفى صبحي الخضر، بيروت: اعلمی، اول*.
٣٦. خصيبي، حسين بن حمدان (٢٠١٤م)، *الرسالة الرستياشية، تحقيق: رواء جمال على، بی جا: بی نا*.
٣٧. خصيبي، حسين بن حمدان (٢٠١٥م)، *فقه الرسالة الرستياشية، تحقيق: رواء جمال على، بی جا: بی نا*.
٣٨. خصيبي، حسين بن حمدان (٢٠١٦م)، *الرسالة الرستياشية، بی جا: المجموعة الكاملة-نشر الكترونيك*: archive.org.
٣٩. خصيبي، حسين بن حمدان، *اصل (=الهداية الكبرى)*، مخطوط، مجلس شورای اسلامی، ش ١٤٧٩٥-٩٥٥٦.
٤٠. خطيب، على يوسف (٢٠١٦م)، *موضحة البيان، بی جا: المجموعة الكاملة-نشر الكترونيك*: archive.org.
٤١. خويي، سيدابوالقاسم (١٣٧٣ش)، *معجم رجال الحديث، نجف: مؤسسة الخويي*.
٤٢. درايتی، مصطفى (١٣٩١ش)، *فهرستگان نسخه های خطی ايران، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، اول*.
٤٣. دلائل الإمامة، قم: بعثت، اول: ١٤١٣ق.
٤٤. راوندی، سعيد، *الخرائج والجرائح، قم: الإمام المهدي ﷺ، اول: ١٤٠٩ق*.
٤٥. ربيع، معلا (٢٠١٦م «ج»)، *كشف الكنوز وحل الرموز وتبيان ما اعجم من اللغوز، بی جا: المجموعة الكاملة-نشر الكترونيك*: archive.org.

- ٤٦ . ربيع، معلا (٢٠١٦م «الف»)، *بهجة الاسرار*، بي جا: المجموعة الكاملة - نشر الكترونك: archive.org.
- ٤٧ . ربيع، معلا (٢٠١٦م «ب»)، *الرسالة المنبهة الفكرية*، بي جا: المجموعة الكاملة - نشر الكترونك: archive.org.
- ٤٨ . رحمتي، محمد كاظم (١٣٨٥ش)، «حسين بن حمدان خصيبي و اهميت وى در تكوين نصيريه»، *مجله هفت آسمان*، ش ٣٥.
- ٤٩ . سبحاني، جعفر (١٤٢٨ق)، *أصول الحديث وأحكامه فى علم الدراية*، قم: امام صادق عليه السلام، پنجم.
- ٥٠ . سرورى، ابن شهر آشوب (١٣٧٩ق)، *مناقب آل أبى طالب عليه السلام*، قم: علامه، اول.
- ٥١ . صفرى، نعمت الله (١٣٨٤ش)، «حسين بن حمدان خصيبي و الهداية»، *مجله طلوع*، ش ١٦.
- ٥٢ . صفرى، نعمت الله (١٣٩٦ش)، «اعتبارسنجى آموزه باييت امامان در عصر حضور تا پايان غيبت صغرى؛ بررسى منبع شناختى»، *مجله تاريخ اسلام*، ش ٧٢، دوره ١٨.
- ٥٣ . طبرانى، ابوسعيد ميمون بن القاسم (١٩٤٣م)، *مجموع الأعياد*، تحقيق: اشتروتمان، هامبورگ: مجلة الاسلام، اول.
- ٥٤ . طبرانى، ابوسعيد ميمون بن القاسم (٢٠١٦م «الف»)، *الجواهر*، بي جا: المجموعة الكاملة - نشر الكترونك archive.org.
- ٥٥ . طبرانى، ابوسعيد ميمون بن القاسم (٢٠١٦م «ب»)، *الرسالة المرشدة*، بي جا: المجموعة الكاملة - نشر الكترونك، archive.org.
- ٥٦ . طبرانى، ابوسعيد ميمون بن القاسم (٢٠١٦م «ج»)، *المعارف و تحفة لكل عارف*، بي جا: المجموعة الكاملة - نشر الكترونك archive.org.
- ٥٧ . طبرانى، ابوسعيد ميمون بن القاسم (٢٠١٦م «د»)، *النجحية (الرد على المرتد)*، بي جا: المجموعة الكاملة - نشر الكترونك.
- ٥٨ . طبرى، محمد بن جرير بن يزيد (١٣٨٧ق)، *تاريخ الرسل والملوك*، بيروت: دار التراث، دوم.
- ٥٩ . طوسى، محمد بن حسن (١٣٧٣ش)، *الرجال*، محقق: جواد قيومى، قم: جامعه مدرسين، سوم.
- ٦٠ . طوسى، محمد بن حسن (١٤١١ق)، *الغية*، محقق: عباد الله تهرانى و على احمد ناصح،

قم: المعارف الإسلامية، اول.

۶۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، قم: دارالثقافة، اول.
۶۲. عادل زاده، علی، *انگاره وراثت بر پایه برادری ایمانی پس از ظهور امام مهدی* عجل الله تعالی فرجه الشریف <https://alasar.blog.ir/1398/03/28/mirath>
۶۳. عادل زاده، علی، *نکاتی درباره خاستگاه انگاره تغییر قبله از مکه به کربلا پس از ظهور امام عصر* عجل الله تعالی فرجه الشریف <https://alasar.blog.ir/1400/01/26/qiblah>
۶۴. عبد الوهاب، حسین بن (بی تا)، *عیون المعجزات*، قم: داوری، اول.
۶۵. عسقلانی، ابن حجر (۱۳۹۰ق)، *لسان المیزان*، بیروت: اعلمی، دوم.
۶۶. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة (۲۰۱۶م)، *الرسالة المصرية*، بی جا: المجموعة الكاملة.
۶۷. علوی، محمد بن علی بن الحسین (منسوب) (۱۴۲۸ق)، *المناقب / الكتاب العتیق*، مصحح: حسین بروجردی، قم: دلیل ما، اول.
۶۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر، محقق: سیدهاشم رسولی*، تهران: المطبعة العلمية، اول.
۶۹. فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم: هجرت، دوم.
۷۰. فریدمن، یارون (۱۳۸۶ش)، «زندگینامه حسین بن حمدان خصیبه، بنیانگذار فرقه نصیری/علوی»، ترجمه: محمد حسن محمدی مظفر، *مجله هفت آسمان*، ش ۳.
۷۱. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۱ش)، *نوادیر الأخبار*، محقق: مهدی انصاری، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی، اول.
۷۲. قمی، علی بن ابراهیم (منسوب) (۱۴۰۴ق)، *تفسیر، مصحح: طیب موسوی*، قم: دارالکتاب، سوم.
۷۳. قندهاری، محمد؛ راد، علی (۱۳۹۹ش)، «احادیث طوال در میراث مکتوب سده نخست هجری»، *مطالعات تاریخی قرآن و حدیث*، شماره ۶۷.
۷۴. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، *إختیار معرفة الرجال*، مشهد: دانشگاه مشهد، اول.
۷۵. کلبی، حمدان (۲۰۱۶م)، *الفصل*، بی جا: المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک [archive.org](http://archive.org).
۷۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.
۷۷. مامقانی، محمد تقی (۱۴۲۴ق)، *صحيفة الأبرار*، بیروت: اعلمی.

٧٨. مجلسی، محمدباقر(١٣٩٠ق)، کتاب رجعت، محقق: سیدحسن موسوی، قم: دلیل ما، پنجم.
٧٩. مجلسی، محمدباقر(١٤٠٣ق)، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، دوم.
٨٠. مجلسی، محمدباقر(١٤٢٠ق)، الوجیه فی الرجال، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول.
٨١. مجلسی، محمدباقر(بی تا)، حق الیقین، تهران: اسلامیة.
٨٢. مدرسی، سیدحسین(١٣٨٦ش)، میراث مکتوب شیعه در سه قرن نخستین هجری، ترجمه: سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، قم: مورخ، اول.
٨٣. مرهج، ابراهیم عبداللطیف ابراهیم(بی تا)، شرح دیوان الخصیعی، بیروت: دارالمیزان.
٨٤. مسعودی، علی بن الحسین(١٤٠٩ق)، مروج الذهب، تحقیق: اسعد داغر، قم: الهجرة، دوم.
٨٥. مسعودی، علی بن حسین(منسوب)(١٤٢٦ق)، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، سوم.
٨٦. معتزلی، قاضی عبدالجبار(بی تا)، تثبیت دلائل النبوة، القاهرة: دارالمصطفی.
٨٧. مفید، محمدبن محمدبن نعمان(١٤١٣ق)، الاختصاص، قم: کنگره شیخ مفید.
٨٨. نعمانی، محمدبن ابراهیم(١٣٩٧ق)، الغیبة، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، اول.
٨٩. نوری، حسین(١٤٠٨ق)، مستدرک الوسائل، قم: آل البيت علیهم السلام، اول.
٩٠. نیشابوری، عبدالله بن بسطام(١٤١١ق)، طب الأئمة، محقق: محمد مهدی خرسان، قم: شریف رضی، دوم.
٩١. الهفت الشریف(٢٠٠٦م)، سلسلة التراث العلوی، تحقیق: ابوموسی حریری، دیار عقل: دارالأجل المعرفة، اول.
٩٢. یاقوت حموی، شهاب الدین ابوعبدالله(١٩٩٥م)، معجم البلدان، بیروت: دارصادر، دوم.

93. Friedman, Yaron, The Nusayri-'Alawis, Leiden, Brill, ٢٠١٠.







پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی